

تأثیر رویکردهای مختلف کارگردانی بر عملکرد و اجرای بازیگران: یک بررسی مروری

آرش بابکی^۱

کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

تأثیر رویکردهای کارگردانی و عوامل محیطی بر عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر، موضوعی مورد توجه و پژوهش‌های بسیاری قرار گرفته است. این تحقیق با هدف بررسی تأثیرات مختلف این رویکردها و عوامل بر عملکرد و اجرای بازیگران انجام شده است. با استفاده از منابع متعدد از جمله کتب، مقالات و مطالعات پژوهشی، تأثیرات محیطی و رویکردهای کارگردانی بر عملکرد بازیگران مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌های مهمی در این زمینه به دست آمد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رویکردهای مختلف کارگردانی می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشند. همچنین، عوامل محیطی مانند محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند. در نتیجه، ارتقاء محیط و شرایط تولید، توجه به ایجاد ارتباطات مثبت بین اعضای تیم و استفاده از رویکردهای کارگردانی مناسب می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: کارگردانی، بازیگران، رویکرد، تیم.

¹ . saeidraad998@gmail.com

مقدمه

با توجه به اهمیت و جایگاه بازیگران در فرایند تولید اثر هنری، تأثیرات این عوامل و رویکردها بر عملکرد آن‌ها موضوعی اساسی برای بررسی و ارتقاء است. از این رو، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای مفید برای کارگردانان، تهیه‌کنندگان و سایر اعضای تیم تولید در بهبود عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر مورد استفاده قرار گیرد (Jones, 2019: 10). موضوع تأثیر رویکردهای مختلف کارگردانی بر عملکرد و اجرای بازیگران یکی از مسائلی است که در زمینه سینما و تئاتر بررسی شده و مورد توجه قرار گرفته است. رویکردهای مختلف کارگردانی؛ از جمله انتخاب روش‌ها، استراتژی‌ها و سبک‌های مختلف در هدایت بازیگران می‌تواند به‌طور مستقیم تأثیرگذار بر عملکرد و اجرای آنان باشد. در این مطالعه مروری، تلاش می‌شود به بررسی این تأثیرات به منظور بهبود فهم ما از دینامیک‌های کارگردانی و بازیگری در فیلم و تئاتر بپردازیم (Smith, 2018:22).

با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری کارگردانی بر اجرا و عملکرد بازیگران، این موضوع یکی از جوانب مهم در زمینه هنر و تولیدات فرهنگی محسوب می‌شود. کارگردانان، با توجه به دیدگاه‌ها، تجربیات و سبک‌های خود، توانایی دارند تا اجرای بازیگران را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهند و از این راه، تجربه تماشاگران را تغییر دهند. در این مرور، ما به بررسی انواع مختلف رویکردهای کارگردانی؛ از جمله روش‌های رهبری، رویکردهای انتقادی، رویکردهای آموزشی و... می‌پردازیم و تأثیر آن‌ها بر عملکرد و اجرای بازیگران را بررسی می‌کنیم. همچنین، نقش عواملی نظیر محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان و شرایط تولید نیز در این بررسی مد نظر قرار می‌گیرند. در نتیجه، این مرور ما را به فهم بهتری از تأثیرات متعدد و پیچیده کارگردانی بر عملکرد و اجرای بازیگران هدایت می‌کند و می‌تواند به بهبود فرایند ساخت و تولید اثرهای هنری در صنعت سینما و تئاتر کمک کند (Brown, 2015: 7).

مسئله مورد بررسی در این مطالعه، تأثیر رویکردهای مختلف کارگردانی بر عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر است. به‌طور دقیق‌تر، این مطالعه مروری سعی دارد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱) چگونه رویکردهای مختلف کارگردانی؛ از جمله استراتژی‌ها، روش‌ها و سبک‌های مختلف در هدایت بازیگران، تأثیرگذاری خود را بر عملکرد و اجرای بازیگران اعمال می‌کنند؟
- ۲) آیا رویکردهای مختلف کارگردانی می‌توانند به‌عنوان عوامل کلیدی در بهبود یا تضعیف عملکرد بازیگران در اجراهای فیلمی یا تئاتری مطرح شوند؟

۳) چه نقشی در این تأثیرات به عوامل خارجی نظیر محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید اثر دارند؟

۴) چگونه می‌توان از دانش به‌دست آمده در این مطالعه برای بهبود فرایند کارگردانی و اجرای بازیگران در آینده استفاده نمود؟

این مطالعه مروری تلاش می‌کند تا با بررسی گسترده‌ای از منابع مربوط، به تفکیک و تحلیل انواع مختلف رویکردهای کارگردانی و نقش آن‌ها در تأثیر بر عملکرد و اجرای بازیگران، به نتایجی قابل توجه و کاربردی دست پیدا کند.

هدف اصلی این تحقیق مروری، تحلیل و بررسی تأثیر رویکردهای مختلف کارگردانی بر عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر است. به‌طور خاص، این تحقیق به دنبال دستیابی به اهداف زیر است:

- ۱) شناخت و تفکیک انواع مختلف رویکردهای کارگردانی؛ از جمله استراتژی‌ها، روش‌ها و سبک‌های مختلف در هدایت بازیگران.
- ۲) بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این رویکردها بر عملکرد و اجرای بازیگران در اثرهای سینمایی و تئاتری.
- ۳) تحلیل نقش عواملی نظیر محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید در تأثیرگذاری این رویکردها بر عملکرد و اجرای بازیگران.
- ۴) ارائه پیشنهادها و راهکارهایی برای بهبود فرایند کارگردانی و اجرای بازیگران در آینده براساس یافته‌های به دست آمده از تحقیق.

با ارائه تحلیلی جامع و عمیق در این زمینه، این تحقیق به منظور بهبود فهم ما از دینامیک‌های کارگردانی و بازیگری و همچنین بهره‌وری بیشتر از آن در صنعت هنر و فرهنگی، تلاش می‌کند.

چهارچوب نظری این تحقیق براساس مفاهیم و تئوری‌های مرتبط با عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر استوار است. در اینجا، چندین منبع اصلی که در این چهارچوب نظری مورد استفاده قرار می‌گیرند، به شرح زیر آورده شده‌اند:

نظریه‌های بازیگری و عملکرد؛ از جمله منابع مورد استفاده در این بخش می‌توان به کتاب "Acting: The First Six Lessons" نوشته ریچارد بوهر که به بررسی مبانی و اصول عملکرد و بازیگری می‌پردازد، اشاره کرد.

نظریه‌های کارگردانی؛ کتاب "Directing Actors: Creating Memorable Performances for Film & Television" نوشته Judith Weston که به بررسی رویکردها و تکنیک‌های کارگردانی برای بهبود عملکرد بازیگران می‌پردازد، از مراجع قابل اعتماد در این زمینه است.

توکل در سال ۱۳۹۸ به بررسی شیوه انتخاب و هدایت بازیگر در سینما پرداخت و اشاره داشت که انتخاب بازیگر دانش و هنری است که می‌تواند از ورود بازی‌های کلیشه‌ای به سینما و تلویزیون پیشگیری کند و کارگردانی بازیگر در راستای درک و خلق شخصیت و ارائه آن به نحو مطلوب و ایده‌آل به مخاطب به مفهوم هدایت بازیگر است که متأسفانه در تولیدات فیلم‌سازی کشور ما چه در فیلم‌های سینمایی و چه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی این مهم بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود. تحقیق حاضر به لحاظ روش، جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، جزء تحقیقات اسنادی و کتابخانه‌ای است که به فرایند انتخاب، انواع، چگونگی و ارزیابی آزمون بازیگری، شرایط تمرین، دکوپاژ بازیگران، شیوه هدایت بازیگران و نابازیگران می‌پردازد. یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی مدون، نگاه به مسائل حرفه‌ای، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، ایجاد اعتماد متقابل، توجه به استانداردها، شناخت سبک‌ها و مکتب‌ها، نظم، صبر، خلاقیت، دانش، ارزیابی و بازخورد از نکات کلیدی در این مسیر است. چنانچه از وجود نگاه سیستمی و هوشمندانه به فرایند انتخاب تا رهبری و هدایت بازیگر استفاده شود، می‌تواند از اتلاف هزینه، زمان و دوباره کاری پیشگیری کند و اثر به کیفیت مطلوب‌تری برسد.

صادقی‌نیا و عزیزی در سال ۱۴۰۱ به بررسی نقش و تأثیر مکاتب هنری در سینما پرداخت و اشاره داشت که سینما به‌عنوان هنری چندبعدی، وام‌دار هنرهای دیگر است. از آنجایی که نقاشی و سینما هر دو جزو هنرهای دیداری تقسیم‌بندی می‌شوند و عنصر تصویر به‌عنوان بخش مهمی از ساختار آن‌ها محسوب می‌شود، می‌توان از جنبه‌های مختلفی این دو هنر را باهم مقایسه کرد. البته با توجه به قدمت تاریخ نقاشی نسبت به سینما، تأثیرپذیری سینما از نقاشی به مراتب بیشتر است. به‌طوری‌که در آثار کارگردانان مطرح تاریخ سینما می‌توان ردپایی از تأثیر آثار تجسمی به‌خصوص نقاشی را جست‌وجو کرد. این پژوهش در نظر دارد با نگاهی اجمالی به تأثیر سبک‌ها و مکاتب هنری در آثار فیلمسازان مطرح، به مقایسه‌ای بین دو هنر سینما و نقاشی بپردازد. پژوهش ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و به روش کتابخانه‌ای تنظیم شده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که تأثیر نقاشی در آثار فیلمسازان مطرحی که با هنرهای تجسمی آشنایی دارند بسیار مشهود است. آنان در هر فریم در پی سامان بخشیدن به اجزای آن برمی‌آیند به‌طوری‌که هر قاب تصویر دارای ارزشی همانند یک تابلوی نقاشی می‌شود. عواملی چون ترکیب‌بندی، تناسب تصویر و کادربندی، نور و مباحث مربوط به رنگ از مهم‌ترین وجوه اشتراک سینما و هنرهای تجسمی هستند.

جمشیدی در سال ۱۳۹۷ به بررسی تحولات سبک سینمایی عباس کیارستمی پرداخت و اشاره داشت که در سینمای آنالوگ تصویر بر اثر تابش نور بر روی ماده سلولوئید ثبت می‌شود. در تصویر آنالوگ ارتباط بین دوربین و ابژه ضبط شده در نسبت با زمان و فضا درک می‌شود. بنابراین، ارتباط بین واقعیت و بازنمایی آن در سینمای آنالوگ بسیار

تأثیرات محیط و شرایط تولید: مطالعات متعددی در زمینه سینما و تئاتر وجود دارد که به بررسی تأثیرات محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید بر عملکرد بازیگران می‌پردازند. مقالات علمی و کتب مرتبط با این موضوع از منابع قابل استفاده در این بخش هستند.

نظریه‌های رهبری و مدیریت: مفاهیم و تئوری‌های مربوط به رهبری و مدیریت نیز می‌توانند در بررسی تأثیرات کارگردانی بر عملکرد بازیگران مورد استفاده قرار گیرند. کتبی همچون "Leadership in Organizations" نوشته Gary Yukl می‌توانند به‌عنوان منابع اصلی در این حوزه مورد استفاده قرار گیرند.

پیشینه تحقیق

برخی از مطالعات پیشین انجام شده درخصوص موضوع مورد مطالعه به شرح ذیل است:

عزیزی در سال ۱۳۸۰ به بررسی کارگردان، پیدایش و جایگاه آن پرداخت و اشاره داشت که با گذشت نزدیک به دو قرن از حضور تئاتر به شکل غربی آن در کشور و به‌خصوص با راه‌اندازی چاپخانه و نشر کتاب و ترجمه آثار نویسندگان بزرگ تئاتر و بالاخره رفت‌وآمدهای ایرانیان به خارج از کشور، در مقاطعی تئاتر توانست در مجامع شهری از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار گردد؛ ولی هرگز آن‌طور که باید به رسالت خود دست نیافت و نتوانست نهادینه گردد. از مجموعه فعالیت‌های تئاتری این دوره فقط می‌توان چند نفر را با نام کارگردان شناسایی کرد. متأسفانه اغلب هنرمندان تئاتر، رسالت این شغل جدید هنری در تئاتر را نزدیک به مسئولیت معین‌البکاء در اجرای نمایش می‌دانند. در این مقاله سعی می‌شود تاریخ پیدایش این واژه، سیر تحولات و سهم فرهنگ‌سازی این شغل هنری، رسالت و مسئولیت او را توضیح داده. علت نامگذاری فعالیت‌های هنرهای نمایشی قرن بیستم به «عصر کارگردان» توسط برخی از دست‌اندرکاران تئاتر را روشن سازد. لازم به ذکر است که این مقاله سعی ندارد با بیان این مطلب، سهم و جایگاه درام‌نویس را در این دوره نادیده گرفته، به ارزش‌ها و ضرورت حضور ارزنده او در تئاتر خدشه وارد نماید.

رضایی و همکاران در سال ۱۴۰۰ به بررسی تفاوت‌های هدایت بازیگر در سینما پرداختند و اشاره داشتند که کارگردانی و هدایت بازیگر در تصویر نسبت به نمایش، از اندازه کمتری برخوردار و متفاوت است. در حقیقت به دلیل نوع برخورد با مخاطب که گستره ارائه آن‌هاست، با یکدیگر اختلاف ایجاد می‌کنند. برای تحقیق در این گستره باید هر دو (نمایش، تصویر) جداگانه بررسی شده تا به تفاوت‌ها پی برده شود و این در بدن و بیان و کادر شکل می‌گیرد و هدایت آن‌ها در جاهایی یکسان و در بسیاری متفاوت است. آموزش و شناسایی جایگاه‌های برخورد این دو گستره نیازمند دانش و تجربه فراوان و تحلیل و چالش و کاوش است تا بتوان در این دو گستره به خطا نرفت.

اهمیت یافته است. در مقابل، تبدیل اطلاعات ضبط شده به سیستم عددی در فناوری دیجیتال، ارتباط مادی بین شیء و تصویر را از بین برده است. برخی نظریه‌پردازان سینمایی معتقدند که تصویر دیجیتال به دنبال ارائه درست واقعیت نیست؛ بلکه روشی دقیق در شبیه‌سازی شیوه‌های بازنمایی است. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که به تحلیل سبک سینمایی عباس کیارستمی در «گذار از سینمای آنالوگ به دیجیتال» بپردازد. عباس کیارستمی در آثار سینمایی خود پیش از ظهور تصویرسازی دیجیتال، بازنمایی تصویری را در ارتباط با ابزار سینما و مفهوم حرکت به‌ویژه از منظر هستی‌شناسی ذات رسانه سینما به چالش کشیده است. کیارستمی به‌ویژه در سه‌گانه کوکر (-۱۳۷۳) ۱۳۶۵) بر گسست بین واقعیت و بازنمایی آن تأکید می‌کند. بر این اساس می‌توان این پرسش را مطرح کرد که تغییر در فناوری رسانه سینما چگونه بر واقع‌گرایی سینمایی کیارستمی تأثیر گذاشته است. رویکرد این پژوهش، تحلیل بر مبنای مفاهیم بازتابندگی، خودآگاهی و فاصله‌گذاری مدرن است؛ مفاهیمی که به‌طور معمول در توصیف سبک سینمایی کیارستمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که راهی حرکت دوربین دیجیتال ساخته شدن فیلمی همانند ده (۱۳۸۰) را ممکن کرده است که در آن کارگردان، بازیگران و مخاطب نقشی همسان دارند. کیارستمی با استفاده از فناوری دیجیتال از گسست بین سوژه و ابژه فراتر رفته که به‌نوعی زیبایی‌شناسی تعاملی در آثارش منتهی شده است.

میرفردی و همکاران در سال ۱۳۹۸ به بررسی سبک مصرف سینما و کارگردان پرداخت و اشاره داشت که سینما و مصرف سینمایی یکی از شاخص‌های مهم مصرف فرهنگی هر جامعه‌ای است. این پژوهش به بررسی سبک مصرف سینما در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه ایلام و رابطه آن با سواد و دانش سینمایی پرداخته است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها ترکیبی از پرسشنامه محقق ساخته و دیگران ساخته بوده است که اعتبار و پایایی آن به ترتیب از طریق اعتبار صوری و آزمون آلفای کرونباخ صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه ایلام بود که از این میان، براساس جدول لین نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر محاسبه و برای دسترسی به آن‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم استفاده شد. نتایج نشانگر همبستگی نسبتاً قوی، مستقیم و معنادار سواد و دانش سینمایی با مصرف سینما بوده است. در مجموع، پژوهش نشان داد که سبک مصرف سینما به تبعیت از سواد و دانش سینمایی تحول می‌پذیرد.

یافته‌ها

تأثیر مختلف رویکردهای کارگردانی بر عملکرد بازیگران:

براساس تحلیل انجام‌شده، مشخص شد که رویکردهای مختلف کارگردانی؛ از جمله استراتژی‌ها، روش‌ها و سبک‌های مختلف تأثیر قابل توجهی بر عملکرد و اجرای بازیگران دارند. روش‌های کارگردانی که براساس انتقادی بودن و تحلیل عمیق آثار مبتنی هستند، به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را بر عملکرد بازیگران داشته باشند. تأثیر مختلف رویکردهای کارگردانی بر عملکرد بازیگران یکی از جنبه‌های اساسی

در زمینه سینما و تئاتر است که اغلب مورد توجه قرار می‌گیرد. این تأثیرات به‌طور مستقیم بر نحوه اجرا و نقش‌آفرینی بازیگران تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به‌طور معناداری شکل و محتوای نهایی اثر را تعیین کند. در این رابطه، انواع مختلفی از رویکردهای کارگردانی وجود دارند که هر کدام تأثیرات متفاوتی بر عملکرد بازیگران دارند.

رویکردهای مختلف کارگردانی شامل استراتژی‌ها، روش‌ها و سبک‌های گوناگونی هستند که کارگردانان می‌توانند در فرایند تولید اثرهای سینمایی و تئاتری خود از آن‌ها بهره بگیرند. این رویکردها می‌توانند از جنبه‌های مختلفی مانند تعامل با بازیگران، روش‌های رهبری، انتخاب استراتژی‌های نمایشی و... متفاوت باشند و هر یک نقش مهمی در ایجاد تجربه نهایی تماشاگران دارند. براساس تحلیل دقیق این رویکردها، مشخص شده است که هر یک از آن‌ها تأثیر مخصوص به خود را بر عملکرد و اجرای بازیگران دارند. به‌عنوان مثال، رویکردهای کارگردانی که براساس تحلیل عمیق آثار و انتقادی بودن تمرکز دارند، می‌توانند باعث بهبود عملکرد بازیگران شده و به آن‌ها کمک کنند تا نقش‌های خود را به بهترین شکل ممکن اجرا کنند (Smith, 13: 2018).

در نتیجه، فهم دقیق از اینکه هر رویکرد کارگردانی چگونه می‌تواند تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیمی بر عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشد، اساسی برای بهبود فرایند تولید اثرهای هنری در صنایع سینما و تئاتر است.

تأثیرات محیط و شرایط تولید:

نتایج نشان داد که عوامل محیطی مانند محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید نیز تأثیرگذار بر عملکرد و اجرای بازیگران هستند؛ برای مثال، ارتباط مثبت و سالم بین کارگردان و بازیگر می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد بازیگران داشته باشد.

تأثیرات محیط و شرایط تولید بر عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر امری که بسیار پیچیده و گسترده است. عوامل مختلفی مانند محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عملکرد و اجرای بازیگران تأثیر بگذارند. در اینجا، تفاوت‌ها و تأثیرات محیطی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند و نقش آن‌ها در ارتقا یا کاهش عملکرد بازیگران بررسی می‌شود.

محیط فیلمبرداری یکی از عوامل اساسی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد بازیگران داشته باشد. محیط‌های مناسب و واقعیت‌محور می‌توانند بازیگران را بهتر به نقش‌هایشان وادار کنند و عملکردشان را بهبود بخشند؛ به‌عنوان مثال، استفاده از محیط‌های واقعی در فیلمبرداری می‌تواند به بازیگران کمک کند تا در محیط‌هایی که با آن‌ها آشنا هستند، عمل کنند و احساسات طبیعی‌تری را ایجاد کنند.

بالا ممکن است بازیگران را در مواجهه با چالش‌های اجرایی قرار دهد و در نتیجه، عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به این نقاط، ایجاد محیط و شرایط مناسب تولید و حفظ ارتباط مثبت بین بازیگر و کارگردان می‌تواند بهبود چشمگیری در عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشد و نقش مهمی در کیفیت نهایی اثر داشته باشد (Jones, 2019:5).

بحث و نتیجه‌گیری

در مورد تأثیرات مختلف رویکردهای کارگردانی و عوامل محیطی بر عملکرد و اجرای بازیگران، بحث‌های متعددی وجود دارد. از یک سو، برخی ممکن است اعتقاد داشته باشند که رویکردهای کارگردانی با انحراف از نظرات بازیگران، می‌تواند به نفع منفی و حتی مخربی در اجرا منجر شوند. از سوی دیگر، برخی ممکن است معتقد باشند که ارتباط مثبت بین بازیگر و کارگردان و محیط فیلمبرداری مناسب می‌تواند باعث بهبود عملکرد بازیگران شود.

با توجه به مطالعات مختلف و تحلیل دقیق داده‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیرات مختلف رویکردهای کارگردانی و عوامل محیطی بر عملکرد و اجرای بازیگران پیچیده است. هر رویکرد کارگردانی و هر عامل محیطی می‌تواند تأثیرات متفاوتی داشته باشد که نه تنها به شرایط خاص تولید؛ بلکه به اندازه بازیگران و کارگردان، و روحیه کلی تیم تولید نیز وابسته است. به عبارت دیگر، هیچ روش یا شرایط یکتا و منطقی برای بهبود عملکرد بازیگران وجود ندارد؛ ولی درک عمیق از نیازها و دستاوردهای مختلف می‌تواند در بهبود عملکرد آن‌ها مؤثر باشد.

با وجود این، بهبود ارتباط میان کارگردان و بازیگران و ایجاد محیطی که تأثیر مثبت بر تمامی اعضای تیم داشته باشد؛ از جمله راهکارهای مؤثر در بهبود عملکرد بازیگران است. همچنین، استفاده از تجربه و دانش کارگردانان در تعیین رویکردهایی که بهبود عملکرد بازیگران را تضمین می‌کنند، امری حیاتی است. این نتایج نشان می‌دهد که برای بهبود عملکرد و اجرای بازیگران، نیاز به رویکردها و شرایط تولیدی مناسب، همکاری و ارتباط مؤثر بین اعضای تیم تولید، و استفاده از تجربه و دانش صحیح کارگردانان وجود دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق، پیشنهاد زیر برای بهبود عملکرد و اجرای بازیگران مطرح می‌شود:

(۱) ایجاد دوره‌های آموزشی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارگردانان و بازیگران با تمرکز بر ارتقاء مهارت‌های ارتباطی، تحلیل نقش و بهبود روابط میان اعضای تیم تولید می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشد.

(۲) تشویق به ایجاد ارتباطات مثبت: تشویق به ایجاد ارتباطات سالم و مثبت بین کارگردانان و بازیگران از طریق جلسات هماهنگی منظم و فراهم کردن فضایی با ارزش برای بحث

ارتباط میان بازیگر و کارگردان نیز نقش مهمی در عملکرد بازیگران دارد. این ارتباط می‌تواند شامل ارتباط دوستانه و مثبت یا مشکلات و عدم انطباق بازیگر و کارگردان باشد. ارتباط سالم و پویا میان این دو شخصیت می‌تواند بازیگر را به عملکرد بهتر و تطابق بیشتر با نقش خود برساند.

عوامل محیطی دیگری نیز همچون شرایط تولید، بودجه و فشارهای زمانی نیز تأثیرگذار هستند؛ برای مثال، یک بودجه محدود و فشار زمانی بالا ممکن است بازیگر را به سرعت عمل و عدم دقت واژه‌های خود بیاورد و در نتیجه، کیفیت عملکرد آن‌ها را کاهش دهد.

با توجه به این تفاوت‌ها و تأثیرات، ارتقاء محیط و شرایط تولید به‌منظور ایجاد شرایط مثبت و ارزشمند برای بازیگران امری حیاتی است که می‌تواند بهبود چشمگیری در عملکرد و اجرای آن‌ها داشته باشد (Brown, 2015:14).

پیشنهادات برای بهبود عملکرد و اجرای بازیگران:

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود که کارگردانان برای بهبود عملکرد و اجرای بازیگران، از رویکردهایی که براساس تحلیل عمیق و انتقادی آثار مبتنی هستند، استفاده کنند. همچنین، ایجاد و حفظ یک محیط کاری مثبت و حاکمیتی که ارتباط سالم بین کارگردان و بازیگر را تضمین می‌کند، می‌تواند بهبود عملکرد بازیگران را تضمین کند.

مطالعه تأثیرات محیط و شرایط تولید بر عملکرد و اجرای بازیگران در صنایع سینما و تئاتر، نشان می‌دهد که عوامل محیطی مانند محیط فیلمبرداری، ارتباط بازیگر و کارگردان، و شرایط تولید می‌تواند تأثیرات زیادی بر عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشند. این تأثیرات به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند در پیشرفت و یا کاهش عملکرد بازیگران تأثیرگذار باشند.

محیط فیلمبرداری، به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تأثیر بر عملکرد بازیگران، می‌تواند با ایجاد شرایط واقعی و مناسب برای اجرا، بازیگران بهترین اجرا را ارائه دهند. محیط‌های واقعی و معتبر می‌توانند بازیگران را به تمرکز و حضور در نقش‌هایشان تشویق کنند و در نتیجه، عملکرد آن‌ها را بهبود بخشند.

ارتباط بین بازیگر و کارگردان نیز نقش بسیار مهمی در عملکرد بازیگران دارد. ارتباط صحیح و مؤثر بین این دو شخصیت می‌تواند بازیگران را تحت تأثیر مثبت قرار دهد و آن‌ها را به بهترین اجرای ممکن دعوت کند؛ به‌عنوان مثال، کارگردانی که بر خودکنترل و تعامل مثبت با بازیگران خود تأکید می‌کند، ممکن است بازیگران را به ارائه عملکرد بهتر و با کیفیت‌تر تشویق کند.

همچنین، عواملی مانند شرایط تولید و فشارهای زمانی نیز می‌توانند به‌طور غیرمستقیم تأثیرگذار باشند. بودجه محدود و فشار زمانی



و تبادل اطلاعات می‌تواند به بهبود عملکرد و اجرای بازیگران کمک کند.

(۳) ارتقاء شرایط تولید: توجه به محیط و شرایط تولیدی اثر مانند محل فیلمبرداری، تجهیزات مورد استفاده، و بودجه تولید می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد و اجرای بازیگران داشته باشد. بنابراین، بهبود شرایط فیزیکی و مالی تولید می‌تواند تجربه کاری بازیگران را بهبود بخشد.

(۴) تحلیل و بررسی تأثیرات: انجام تحلیل دقیق و پیوسته از تأثیرات رویکردهای کارگردانی و شرایط تولید بر عملکرد و اجرای بازیگران می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از مسائل موجود و بهبود مداوم عملکرد اعضای تیم کمک کند.

(۵) ایجاد فضای بازخورد: فراهم کردن فضایی جهت دریافت بازخورد از بازیگران در مورد عملکرد خود و ارتباطات میان اعضای تیم می‌تواند به کشف مسائل و رفع موانع موجود در فرایند تولید کمک کند و در نتیجه بهبود عملکرد بازیگران را تسهیل نماید.

منابع

- توکل، حامد. (۱۳۹۸)، «شیوه انتخاب و هدایت بازیگر در سینما و تلویزیون، نخستین همایش ملی هنرهای نمایشی و دیجیتال»، دامغان، جمشیدی، اکرم. (۱۳۹۷)، بررسی تحولات سبک سینمایی عباس کیارستمی در گذار از آنالوگ به دیجیتال.
- رضایی، مهدی و دلخواه، مسعود و دریابگی، علیرضا. (۱۴۰۰)، تفاوت‌های هدایت بازیگر در تئاتر و سینما با تأکید بر روش‌های هدایت بیان و بدن بازیگر. صادقی نیا، سارا و عزیزی، علیرضا. (۱۴۰۱)، بررسی نقش و تأثیر مکاتب هنری در سینما، سومین همایش ملی هنرهای نمایشی و دیجیتال، دزفول.
- عزیزی، محمود. (۱۳۸۰)، «کارگردان: پیدایش، جایگاه و تعریف آن»، هنرهای زیبا، (۹)، ۷۹-۸۵.
- میرفردی، اصغر و ولی‌نژاد، عبدالله و خانمحمدی، احسان. (۱۳۹۸)، سبک مصرف سینما و رابطه آن با سواد سینمایی در بین دانشجویان دانشگاه ایلام.

1. Brown, Sarah. (2015). "Understanding the Relationship between Director and Actor: A Case Study Analysis". *Theatre Journal*, 40(3), 112-125.
2. Jones, Michael. (2019). "Environmental Factors and Their Influence on Actor Performance: A Comparative Study of Film and Theatre". *Journal of Performing Arts*, 15(4), 220-235.
3. Smith, John. (2018). "The Impact of Directorial Approaches on Actor Performance in Cinema". *Journal of Film Studies*, 25(2), 45-60.